



درس تفسیر استاد ماج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۳
مصادف با: ۶ رجب ۱۴۴۶
جلسه: ۲۱

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: بخش‌های دوگانه آیه ۵۹ - بخش اول - مطلب اول - سه احتمال در مورد «بَدَل» - احتمال سوم - نظر برگزیده

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ»

خلاصه جلسه گذشته

در بخش اول از آیه ۵۹ چند مطلب وجود دارد؛ سخن درباره مطلب اول بود که مربوط به کلمه «بَدَل» است: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ». ما عرض کردیم چند احتمال در این مورد قابل ذکر است؛ دو احتمال را بیان کردیم. دو احتمالی که اشاره کردیم، یکی اینکه منظور از «بَدَل» تبدیل لفظ بود؛ یعنی اینکه لفظ حطه که مأموریه بود تبدیل به لفظ دیگری شد. احتمال دوم اینکه مخالفت عملی باشد؛ یعنی در کیفیت ورود به قریه و مثلاً اینکه از این باب باید وارد می‌شدند ولی از باب دیگری وارد شدند یا آن حالت خضوع و خشوعی که در هنگام ورود باید به خود می‌گرفتند، با این حالت نبود.

سؤال:

استاد: عمده اینها برگرفته از روایات است.

احتمال سوم

احتمال سومی هم در اینجا وجود دارد و آن اینکه هم مخالفت در قول و هم مخالفت در عمل از خود نشان دادند؛ یعنی هر دو نوع مخالفت و هر دو نوع تبدیل، هم تبدیل لفظ حطه به یک لفظ دیگر و هم از نظر عملی. دو روایت، یکی از جوامع روایی شیعی یعنی از تفسیری که منسوب به امام عسکری (ع) است و یکی هم از اهل سنت نقل می‌کنم. روایت اول: تفسیر صافی از تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) اینطور نقل کرده که مخالفت بنی اسرائیل به این ترتیب بود که وقتی به باب القریه رسیدند، دیدند که این باب به اندازه‌ای ارتفاع دارد که نیازی به تذلل و خضوع و خشوع و خم شدن و ورود به حالت سجده ندارد. چون امر شده بود «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»، کیفیت ورود را برای بنی اسرائیل معین کرده بود. آنها وقتی به این باب رسیدند، مشاهده کردند که ارتفاع این در به حدی است که نیازی به ورود به این حالت نیست. بعد تعجب کردند و گفتند که تا چه زمانی موسی و وصی او یوشع، ما را مسخره می‌کنند؟ وقتی که ارتفاع در به گونه‌ای است که می‌توان راحت از آن عبور کرد، چرا ما با این حالت وارد شویم؟ لذا دو کار انجام دادند؛ اولاً به جای اینکه از طرف صورت وارد باب شوند، از پشت وارد شدند؛ مثل اینکه عقب‌عقب وارد شوند؛ یا مثلاً از باب دیگری وارد شدند، آن هم به صورت عادی، نه سجداً. یعنی از نظر عملی در واقع دو تبدیل انجام دادند. از نظر لفظی هم اگر مأمور بودند که کلمه «حطه» را بگویند، اینها از کلمه دیگری استفاده کردند که طبق آنچه که در روایت آمده، معنای آن گندم سرخ «حنطه حمراء» بوده است.^۱

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۱.

روایت دوم: در روایتی که صحیح مسلم از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کرده، می‌گوید آنها از پشت کشان‌کشان داخل باب شدند و به جای اینکه حطه بگویند، «حبه فی شعرة» می‌گفتند، یعنی گندمی که در آن پوسته زرین خودش قرار دارد. این نقل هم تقریباً نزدیک به نقلی است که در تفسیر منسوب به امام عسکری (ع) آمده است؛ هم تبدیل عملی و هم تبدیل قولی کردند؛ دو نوع مخالفت یعنی در عمل و در لفظ یعنی این کلمه و واژه را هم تغییر دادند و کلمه دیگری به کار بردند. پس در مورد «بدل» سه احتمال می‌توانیم ذکر کنیم؛ یکی تبدیل لفظی، دوم تبدیل عملی و سوم تبدیل لفظی و عملی که هر دو با هم انجام شده باشد.

اما اینکه این احتمالات یا این سه وجهی که ذکر کردیم، بر چه اساسی مطرح شده، عمدتاً براساس نقل‌ها و روایات است. سؤال:

استاد: «ف» تفریع هم باشد، این صحیح است؛ برای اینکه قبل از این امر کرده و می‌گوید «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً»، دو تا امر است، یکی مربوط به قول و یکی هم مربوط به نحوه ورود؛ حال اینکه آیا این بدل ناظر به همین دو امر مذکور در ماقبل «ف» است یا مجموع دستورات قبلی؟ ظاهر این است که این مربوط به همین دو امر اخیر است؛ این را هم روایاتی که در این رابطه وارد شده، تأیید می‌کند. چون مراحل از مخالفت‌ها در مورد اوامر الهی قبلاً ذکر شده است؛ اینکه خداوند فرمود و اینها چه کردند، حتی عذاب‌هایی که برای آنها نازل می‌شد هم ذکر شده است. در این مرحله خداوند سه دستور الزامی داده است: اصل ورود، استغفار و کیفیت ورود. امر به «کلوا» را هم گفتیم که امر الزامی نیست. آیه می‌خواهد بگوید در همین مورد هم اینها تبدیل کردند. می‌گوید «الذین ظلموا»؛ این «ظلموا» می‌تواند به اعتبار مخالفت‌های گذشته آنها باشد؛ هر چند می‌تواند به اعتبار خود همین تبدیل هم باشد، ولی ظهورش در این است که «الذین ظلموا» یعنی آن دسته از بنی‌اسرائیل که همواره مخالفت می‌کردند و به خودشان و خداوند ظلم می‌کردند، بدل قولاً. لذا «الذین ظلموا» به تعبیر برخی شامل مطیعین از بنی‌اسرائیل نمی‌شود، که حالا این را بعداً توضیح خواهیم داد. بنابراین ظاهرش این است که «بدل» ناظر به اوامر و دستوراتی است که در همین آیه ذکر شده است.

نظر برگزیده

اینکه از این سه احتمال، کدام یک مورد نظر است، از یک طرف چه ما «ف» را فاء تفریع بگیریم چه عاطفه، بدل می‌تواند ناظر به همه اینها باشد. اما آنچه که شاهد بر احتمال اول است، «قولاً غیر الذی» است؛ با اینکه طبق برخی از روایات این تبدیل و مخالفت حتی از نظر عملی هم بوده، لکن اینکه می‌فرماید «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ»، بدل قولاً، قول را تبدیل کردند، آن قولی که به غیر از آن قولی بود که به آنها گفته شده بود. این به نظر برخی شاهد بر این است که این تبدیل، تبدیل لفظی است. شاید روایات اغلب این معنا را تأیید کند؛ یعنی می‌خواهد بگوید اینها کأن حتی در حد گفتن یک لفظ، این را تبدیل کردند؛ این به این معنا نیست که در ابعاد دیگر مخالفت نکردند؛ مخالفت صورت گرفته؛ به جای اینکه با حالت سجده بروند، با حالت عادی رفتند و به پشت وارد شدند، اینها همه به جای خود؛ اما برای اینکه اوج دنائت و پستی و رذالت و عناد و لجالت آنها را با خداوند تبارک و تعالی برساند، کأن می‌خواهد بگوید این لفظ را که مأمور بودند بگویند و این اصلاً هیچ زحمتی بر آنها نداشت، همان را هم تغییر دادند. حطه را مثلاً به حنطه تبدیل کردند؛ این دیگر اوج و نهایت عناد و سرکشی این

جماعت را می‌رساند.

لذا به نظر من از میان این سه احتمال، آنچه با ظاهر آیه سازگارتر است و شاید «قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» ظهور بیشتری در این دارد این است که تبدیل در لفظ و قول بوده است. غرض هم این است که آنها با آنکه همه چیز برای آنها مهیا شد و امر به ورود در قریه شدند و همه امکانات و نعمت‌ها برای آنها مهیا و فراهم شد، باز هم مخالفت کردند؛ دو سه دستور به آنها داده شد، اما آنها حتی ساده‌ترین دستور و سهل‌ترین امر را هم نادیده گرفتند و حتی این قول را هم تبدیل کردند. به نظر می‌رسد از میان این سه احتمال، احتمال اول اولی است؛ البته این به معنای آن نیست که نسبت به دو امر دیگر مخالفت نکرده‌اند.

سؤال:

استاد: عرض کردم با توجه به نکته‌ای که من اینجا بیان کردم، به نظر می‌رسد این بیشتر بر همان قول منطبق می‌شود.

بحث جلسه آینده

دو سه مطلب دیگر در مورد این بخش از آیه باقی مانده که ان‌شاءالله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»